

اخبار

ادبیات ما از انتظارات سینما اطلاع علمی ندارد



احمد شاکری، نویسنده رمان «بچمن مخفی» با بیان اینکه در کشور ما کمبود اقتباس سینمایی از آثار ادبی، فرآیند اقتباس را تحت تاثیر خود قرار داده است، گفت: نه تنها درحیطه عمل، تجربیات متنوعی در این زمینه وجود ندارد بلکه حوزه سینما بویژه ادبیات از دانش نظری تولید متن و تجربه عملی مهارت‌های نگارشی محروم مانده است.

ادبیات ما از انتظاراتی که سینما از آن دارد، اطلاع علمی ندارد و روایت سینما را به درستی نمی‌شناسد. وی افزود: به واسطه اینکه سینما به عنوان هنر هفتم نسبت به ادبیات عمر کمتری دارد، ادبیات تجربیات سینما را جدی نمی‌گیرد. زمانی اقتباس ادبی در سینمای ما رونق پیدا می‌کند که کارگردان رضایت داستان‌نویس را جلب کند و تعاملی دوسویه میان داستان‌نویس و کارگردان ایجاد شود. شاکری درباره وضعیت ادبیات پایداری اظهار داشت: ادبیات داستانی ما رشد قابل قبولی در این زمینه داشته است. همانند خاطره‌ها و روایت‌های شگفتی که به صورت مکتوب درآمده‌اند یا خودنوشت‌هایی که توسط فرد راوی یا نویسنده دیگری تدوین شده است اما با انقلاب هیچ نسبیتهی نداشتند یا قابلیت روایت تصویری و نمایشی را در خود ایجاد نکرده‌اند. وجود روایت مستند در این نوع نوشتارها این معضل را در به تصویر کشیدن آن در سینما به وجود می‌آورد که قصه‌پرداز به جای نمایش بیشتر حرف بزند. «گفتن» معضلی در ادبیات داستانی است که امکان اقتباس را سلب کرده یعنی به لحاظ تجربی و ساختاری، قوی و نمایشی نیست.

پرداختن به «حقوق بشر» از سوی آمریکا طنز روزگار است



محسن مومنی‌شریف در مراسم آغازین دومین جشنواره بین‌المللی «حقوق بشر آمریکایی» گفت: در حالی که مبنای آمریکا با جنایت پایه‌گذاری شده است، پرداختن به حقوق بشر توسط این کشور، طنز روزگارمان است. به گزارش مهر، نشست آغازین دومین جشنواره بین‌المللی «حقوق بشر آمریکایی» یکشنبه ۳ بهمن ماه در محل لانه جاسوسی آمریکا برگزار شد. محسن مومنی‌شریف رئیس حوزه هنری در این مراسم با بیان اینکه جنایت‌های آمریکا در ایران، بخش کوچکی از جنایات این کشور در کل جهان است، اظهار کرد: آمریکا به رسانه‌ها تسلط دارد و می‌تواند افکار را با سلیقه و دلخواه خود تربیت کند و این موضوع به درستی دیده نمی‌شود. وی ادامه داد: به طور حتم با حضور هنرمندان کشورهای دیگر و آثاری که از آن هنرمندان در این دوره خواهیم دید بر نغای این جریان فرهنگی و هنری افزوده خواهد شد. حقوق بشر آنچنان که برای آمریکا حربه‌ای است تا به کشورهای دیگر حمله کند و کشورهای مظلوم را تحت فشار قرار دهد، نقطه ضعف این کشور نیست و شدت مایلند از این زاویه، به آمریکا پرداخته نشود.

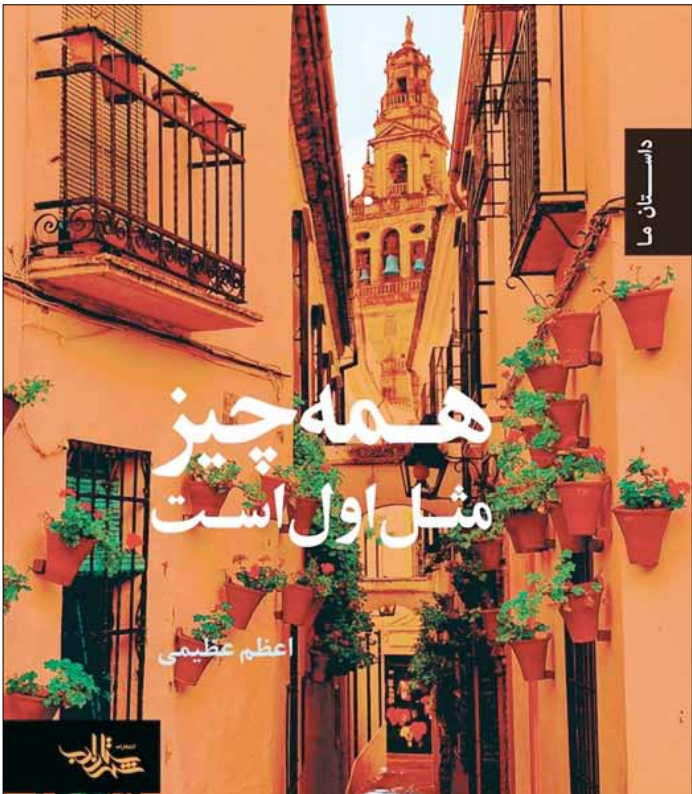
محمد، مسیح کردستان» روانه بازار کتاب شد

انتشارات روایت فتح کتاب «محمد، مسیح کردستان» را منتشر و روانه بازار کرد. به گزارش فارس، نصرت‌الله محمودزاده نویسنده کتاب، این اثر را در قالب زندگینامه داستانی در ۷۱۲ صفحه به نگارش در آورده است. این کتاب کامل‌ترین کتاب در طول سال‌های گذشته درباره ابعاد زندگی شهید بروجردی است که به ابعاد مختلف جنگ در کردستان و چگونگی پرورش افراد شاخص دفاع مقدس توسط شهید بروجردی می‌پردازد. این کتاب می‌کوشد به نحوه مبارزات قبل از انقلاب شهید بروجردی و مبارزه با کومله‌ها و دموکرات‌ها و نحوه جای گرفتن شخصیت شهید بروجردی در قلب مردم کرد بپردازد. فرماندهان شهیدی چون صیاد شیرازی، متوسلیان، همت، ناصر کاظمی و کاوه برخی چهره‌های شاخصی هستند که از آنها در کتاب «محمد، مسیح کردستان» سخن رفته است. گفتنی است شهید بروجردی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنگ تحمیلی بود که توانست با حسن برخورد و ابتکار عمل‌هایی که داشت، کنترل منطقه کردستان را به ایران بازگرداند. از این ره‌وی «سسیح کردستان» می‌نامند. براساس این گزارش کتاب «محمد، مسیح کردستان» در ۷۱۲ صفحه به قلم نصرت‌الله محمودزاده منتشر و روانه بازار شد.

گروه فرهنگ و هنر: «همه‌چیز مثل اول است» نخستین مجموعه داستان کوتاه اعظم عظیمی است و از انتخاب اسم این کتاب مشخص می‌شود احتمالاً نویسنده آن، در داستانی که به همین نام در کتاب آمده است، بیشتر خودش را بیان کرده است. این داستان، قصه دختری است به نام زینب که در کودکی در فقر و محرومی متولد شد و خودش اسمش را می‌گذارد «یک جور دیگر بودنی که فلاکت و تنهایی می‌آورد». به گزارش «وطن‌امروز»، محمد شمس‌الدینی در یادداشتی درباره این کتاب می‌نویسد: این داستان، یک داستان بدون حادثه است، البته حوادث آفاقی، چرا که انفس هم میدان حوادث و وقایعی است از جنس دیگر. کارگردان داستان چون وقایع انفسی دارد، مخاطب را در گیر می‌کند و اصلا بیان خاتم عظیمی در دیگر داستان‌های این مجموعه هم همین بیان است؛ اظهار کناکش‌های انفسی، داستان با یک کابوس شروع می‌شود و شاید همه داستان در همین کابوس، عصاره شده است. زینب خواب می‌بیند که در یک قطار که گویی قطار زندگی است و فقط مادرش کنار او است، می‌رود که اعدام شود، یک اعدام خودخواسته و گویا خودکشی اما با وحشت، سست می‌شود و نمی‌رود. داستان زینب، بیان وضعیت فروپستی انسان است. فروپستگی، وضعیت انسان در پیش از گشایش است که در این داستان، این فروپستگی، صورت‌های متعددی دارد که باطن آن نیست‌انگاری است و در این داستان با چند صورت از آن روبه‌رو هستیم. در داستان با ۳ نسل متوالی از آدم‌ها مواجه می‌شویم؛ نسل مادر و پدر زینب و استاد دانشگاه است. پدرش از شکافی که به عنایت ولایی امام خمینی(ره) در زمین و زمان ایجاد شد، از این فروپستگی، برگزیده و شاهد وجهاله شده است. استاد دانشگاه، به عرفان فلسفی پناه برده است و شاید تلاش می‌کند با تدریس، آن نسبت باطنی تاریخی را که گم شده است، پیدا کرده و به نسل بعد منتقل کند و مادرش، که گویی در دوران شیرین حیات با احمد، نسیمی از آن سوی فروپستگی وزیده و برده‌های خانه‌شان را رقصانده است، راهی که برای حیات در فراسوی یافتن، عشق است، عشق کسی که ۲۵ سال پیش شهید شده اما نمرده است. نسل امروز، یعنی زری و علی، سرگردند و در گرداب عادات، روزگار می‌گذرانند و اصلا خودآگاهی نسبت به فروپستگی غالب بر خود ندارند و همه اهتمام‌شان متوجه تدارک لوازم و اقتضات زندگی نیست‌انگاره است. علی و زری و همکلاسی‌های زینب سرگردانند و صورت جمعی حیات آنها جامعه نیست، بلکه جمعیتی است

یادداشتی بر مجموعه داستان «همه‌چیز مثل اول است»

هرکس که ز عصر خود فراتر باشد



همه چیز مثل اول است

اعظم عظیمی

از تنهایی. این انسان‌ها که ظاهر آن‌سازند، اگر وقوف به نهیلیسم پیدا کنند، خودکشی را برمی‌گزینند و سر به «بیابان بوف کور» خواهند گذاشت. زینب، اسیر صورتی از نیست‌انگاری است که بر انسان مسلمان در دوران غیبت غالب می‌شود. زینب میراث‌دار پدرش است، او هم سرپه‌یابان گذار است اما بیابانش، «بیابان نشان از بی‌نشان‌ها» است نه «بیابان بوف کور». زینب، هر جا که یاد پدرش می‌افتد «برده با ورزش نسیم، در آفتاب می‌رقصد» و این یعنی حضور یک روح. در وضعیت فروپستگی، تنها چیزی که انسان مؤمن را تحت می‌دهد این است که خودش را ذیل ولایت، در معرکه جهاد و در افاق فرج، معنا کند و گرنه مقهور فروپستگی خواهد شد. زینب از عصر خود فراتر است و به هر طریق نسبت به این فروپستگی وقوف پیدا کرده، لذا حاضر نیست تن به مقتضیات این وضعیت بدهد و قطعاً چنین انسانی در نزد کسانی که مستقر در فروپستگی‌اند، ابله و مجنون جلوه خواهد کرد و باید بکشد عذاب تنهایی را هر کس که ز عصر خود فراتر باشد.

در نوشته دیگری درباره این کتاب که شهرستان ادب آن را منتشر کرده است، می‌خوانیم: «همه چیز مثل اول است» از آن کتاب‌ها نیست که هر دوست و آشنایی به شما پیشنهاد خواندنش را بدهد و از آن گزینه‌های معروف کاغذی نیست که بتوانید بسادگی برای هر مناسبتی هدیه‌اش دهید. این عبارت، مدح شایسته ذم است و خود سندی است بر متفاوت و تازه بودن کتاب. اگر می‌خواهید این مجموعه داستان را به کسی هدیه کنید، باید به دنبال دوستی بگردید که با چم و خم داستان و تکنیک‌های نویسندگی بخوبی آشناست و می‌تواند ساعت‌ها روی یک داستان فکر کند و از پیچیدگی‌های لذت‌بیرد، چرا که نویسنده، برای خواننده آشنا به فضای داستان، رازهای بسیاری را در اثر خود پنهان کرده است. اعظم عظیمی، نویسنده جوان مشهدی که پس از سال‌ها گرداندن جلسات و کارگاه‌های داستانی، امسال با این نخستین مجموعه داستان خود در بازار نشر حضور پیدا کرده است، نویسنده‌ای بشدت تکنیکی و ساختارگراست. به هنگام نگارش این مجموعه نیز آن تجربه ارزشمند کارگاهی به یاری‌اش آمده تا دقیقاً از فرم داستان تبعیت کند و با همراه شدن با موج تازه داستانی که در دنیا باب شده است، اثری متفاوت بیافریند. تحصيلات آکادمیک او در رشته فلسفه نیز اهرم دیگری است که در داستان‌های این مجموعه به کمکش آمده تا بر پیچیدگی‌های دلنشین آنها بیفزاید و مخاطب را با چالش‌های درونی نویسنده مواجه کند. «همه‌چیز مثل اول است» مجموعه‌ای مشتعل بر ۹ داستان کوتاه است که با داستان «هن کیث میدلتون نیستم» آغاز می‌شود و در «آفتاب» به پایان می‌رسد. این ۹ داستان کوتاه خواندنی، اگرچه هر یک هویتی مستقل دارند اما با نخی نامرئی به یکدیگر متصل‌اند و خواننده هنگام مواجهه با هر داستان، ردپایی از افکار و تأملات شخصیت‌های داستان قبلی را در آنها می‌یابد. این خود برای یک خواننده حرفه‌ای بسیار لذتبخش است و او را با هیجان کشف مواجه می‌کند. علاوه بر این تمام داستان‌ها از یک فرمول واحد پیروی می‌کنند و در عین حال که به فضای اطراف شخصیت‌ها و اتفاقات با هم می‌زنند، به ذهن آنها نیز وارد می‌شوند. شاید با اندکی اغماض بتوان گفت داستان‌ها پیش از آنکه «حادثه‌محور» باشند، «شخصیت‌محور»ند و حتی «درون‌شخصیت‌محور»! به همین سبب است که خوانند این کتاب، برای مخاطبی که در داستان‌ها تنها به دنبال سیرال اتفاقات و گره‌گشایی‌ها نیست و از تأملات درونی شخصیت‌ها لذت می‌برد، بسیار دلپذیر است.

هستند. این نسل از اندوخته‌های دفاع‌مقدس کملا بهره می‌برند. استان‌های ما بسیار جلدی به ادبیات دفاع‌مقدس می‌پردازند. نسل جدید اطمینان خاطر می‌دهد که ادبیات دفاع‌مقدس ایستا نخواهد بود. سرهنگی تصریح کرد: از انتشار این کتاب بسیار خوشحالم. از نزدیک زحمت نویسنده را دیدم و شاهدیم که نتیجه همه گرفته است. بهنای ضرابی‌زاده، نویسنده کتاب گلستان یازدهم نیز با تشکر از حضور میهمانان، در ابتدای سخنان خود با ادای احترام به مقام شهدا بویژه شهید چیت‌سازیان گفت: در ابتدا جاز دارد به روح شهدای پاک و دلیر آتش‌نشان ادای احترام می‌کنم. شهید چیت‌سازیان نماد شجاعت و شهامت بودند. وی ادامه داد: ما در زندگی برای رسیدن به هدف ۲ مانع عشق و ترس را داریم. کسانی که از این دو گذشتند توانستند به هدف برسند. امثال شهید چیت‌سازیان و شهدای جنگ روحیه‌ها هستند. اگر بگویم بخش بزرگی از این اتفاق را خاتمه‌ها رقم می‌زند براه نرفته‌ام. مادها هستند که سربازها را بزرگ می‌کنند و به همین علت زنان با جنگ انس و الفت فراوانی دارند. وی ادامه داد: نسل جدید به مراتب از نسل اول قوی‌تر

روایتی از رهبر انقلاب در مراسم رونمایی «گلستان یازدهم» کشور را از ادبیات وارداتی بی‌نیاز کردید



جبهه تنها بخشی از شخصیت این مجاهدان معرفی و با خاطرات خانواده همسران این افراد، کامل می‌شود. رئیس حوزه هنری با اشاره به ادبیات دفاع‌مقدس و کار حوزه هنری در این زمینه گفت: حوزه هنری مبدع این نوع ادبیات است. رهبر معظم انقلاب نیز در دیداری که با ایشان داشتیم، فرمودند شما کشور را از ادبیات وارداتی بی‌نیاز کردید. با وجود این، متأسفانه این نوع ادبیات در مجامع علمی ما شناخته شده نیست، هرچند پایان‌نامه‌هایی در این رابطه نوشته شده است. انتظار داشتیم دانشگاهیان بیشتر به این موضوع بپردازند و تفاوت این ادبیات با ادبیات وارداتی را مورد بررسی قرار دهند. در ادامه این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی با بیان خاطراتی از جنگ و مجاهدت همدانی‌ها در دوران دفاع‌مقدس گفت:

تا ۵۷ به مراتب مظلوم‌تر از شهدای دوران پس از پیروزی انقلاب هستند. همچنان که سبیلی خوردگان و به اسارت‌رفتن آن مقطع ۱۵ ساله نیز به مراتب رنج کشیده‌تر از آزادگان ما در اردوگاه‌های جهنمی رژیم صدام معدوم بودند. ثبت خاطرات و خطرات پیشگامان دریادل نهضت اسلامی ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی(ره) از ۴۲ تا ۵۷ و تدوین و نشر آنها اقدامی سرتوک بود که تنها بزرگانی از تراز هدایت‌اللهی بهبودی قادر به انجام آن بودند. کاری که این بزرگوار و معدود یاران او در «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» با ضبط و تدوین و نشر خاطرات شفاهی صدها تن از شهبزرتان و بزرگمردان پیشگام نهضت امام خمینی(ره) انجام می‌دادند، براسی کاری است ارزنده و بی‌بدیل. باید اعتراف کرد همین خط‌شکنی بهبودی و یارانش، در حکم مهم‌ترین عامل بازدارنده برای قلم به دستستان نامحرمی است که افزون بر ۳ دهه کوشیدند برای انقلاب اسلامی اصیل مردم ایران، شناسنامه جعلی صادر کنند. براسی رهبر فرزانه انقلاب چه زیبا حق مطلب را ادا فرمود، آنجا که نوشت: «درود بر سرهنگی‌ها و بهبودی‌ها». گفتنی است در دومین برنامه اوج هنر که از ساعت ۱۵ امروز زاندارم منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷. ضمن اینکه من اعتقاد دارم شهدای بره ۴۲

یادداشت گل‌علی بابایی به بهانه برنامه پاسداشت هدایت‌الله بهبودی

درد بر سرهنگی‌ها و بهبودی‌ها



و سرهنگی برای جلب و جذب بچه‌هایی مثل من که پایشان تازه به کانکس مینی دوکوهه باز شده بود، بزرگی کردند و راه و رسم «درست» نوشتن جنگی را که ۸ سال مدام فقط از آن «درشت» می‌نوشتند یامان دادند. یاد شهید حاج حسین خرازی به خیر که در آخرین روزهای مانده به شهادتش در مصاحبه‌ای مطبوعاتی حرف دل بچه‌های جنگ را چه خوب به زبان آورد: «رسانه‌های ما جنگ را درشت می‌نوشتند اما درست نمی‌نوشتند!» علی‌ای حال هنوز هم زغال تازه غرس شده دفتر ادبیات و هنر مقاومت به ۲ سال نرسیده بود که آقای بهبودی بر آن شد تا برای تبیین ریشه‌های دفاع‌مقدس، برود سر وقت علت‌العلل تحمیل آن جنگ ۸ ساله به ملت ایران. یعنی پرداختن به انقلاب اسلامی؛ از قیام مردمی ۱۵ خرداد ۱۳۲۲ تا سرنگونی زاندارم منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷. ضمن اینکه من اعتقاد دارم شهدای بره ۴۲

هنری فعال کردند. البته پیش از آن و در زمان حضور بهبودی و سرهنگی در صفحه جبهه و جنگ روزنامه جمهوری اسلامی، این دو بزرگوار علاوه بر مدیریت این صفحه، هر چند وقت یک بار مقالات عشق‌انگیز در باب جنگ می‌نوشتند که با امضای مستعار صدرا ریحانه منتشر می‌شد. گویا صدرا فرزند یکی از این دو عزیز بود و ریحانه هم فرزند آن دیگری. جذابیت این مطالب به حدی بود که پس از هر بار انتشار آنها در روزنامه جمهوری اسلامی، مراکز فرهنگی دولتی و خصوصی، دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها و حتی پادگان‌های سپاه و بسیج، بریده این مقالات را در تابلوی اعلانات‌شان نصب می‌کردند و خیلی از علاقه‌مندان ادبیات جنگ مشتاقانه آنها را مطالعه می‌کردند. در حقیقت بسا راه‌اندازی دفتر ادبیات و هنر مقاومت، این دفتر مأمور و مأویایی شد برای مجموعه‌ای از رزمندگان جنگی‌نویس، الحق و الاتصاف هم که آقای بهبودی

رویدادها

تیزر و پوستر نمایش آیینی غبار رونمایی شد

مراسم رونمایی از تیزر و پوستر نمایش آیینی غبار با حضور محمدرضا مداحیان کارگردان و طاهر ده‌پهلوان مجری طرح و تعدادی از بازیگران و عوامل این نمایش و مهدی جعفری رئیس سازمان فرهنگی و هنری بشارت‌شامگاه یکشنبه (۳ بهمن‌ماه) در سالن اجتماعات موسسه توسعه هنرهای معاصر برگزار شد. به گزارش فارس، محمدرضا مداحیان، کارگردان این نمایش گفت: اگر همه تعارف‌ها را کنار بگذاریم روزی ما آرزوی ما کردیم در یک کار آیینی بزرگان عرصه هنر دور هم جمع شوند و یک تیم قدرتمند را به وجود بیاورند که به نمایشی در خور دست پیدا کنیم که برای مهیا شدن این فضا خداوند کمک کرد. وی ادامه داد: بدون اغراق این دعوتنامه‌ای از سمت خداوند برای این هنرمندان است که در نمایشی آیینی و مزین به نام حضرت زهر(اس) حضور داشته باشند؛ از طرفی برای سازمان بشارت هم این اتفاق افتاده است و علت آن پاک‌ی و خلوص نیت این افراد است. اردلان شجاع کاوه، میرطاهر مظلومی، شهرام عبدلی، خسرو شهرازی، جواد زیتونی، محسن افشار، شاپور کلهر، علی لهما‌سبی، یحیی ایراندوست، شمس‌الرضا بازرگان و غلامرضا آقاسی با شعرخوانی خود در این نمایش هستند. این نمایش تا نیمه اسفندماه در تالار وحدت برگزار است.

معرفی هیأت داوران بخش مستند جشنواره فجر

با حکم «محمد حیدری» دبیر سنی‌وینچمن جشنواره فیلم فجر، «منوچهر طبیب»، «روبرت صافاریان»، «مهدی باقری»، «محمدعلی فارسی» و «رامین حیدری فاروقی» به عنوان اعضای هیأت داوران بخش مسابقه سینمای مستند این دوره از جشنواره معرفی شدند. منوچهر طبیب، کارشناس و مستندساز، دانش‌آموخته رشته معماری از دانشگاه فنی وین است. او ساخت بیش از ۹۰ فیلم مستند و آموزشی، تدریس سینما و عکاسی، تألیف کتاب، دریافت چندین جایزه ملی و بین‌المللی و... را در کارنامه کاری خود دارد. روبرت صافاریان، منتقد، مدرس و تحلیلگر فیلم است. وی دانش‌آموخته رشته کارگردانی است و به ترجمه ده‌ها نقد و مقاله درباره سینما و سینمای مستند در نشریات سینمایی کشور و شرکت در برنامه‌های سینمایی (رادیو و تلویزیون به عنوان منتقد فیلم و کارشناس سینمای مستند را در کارنامه دارد. مهدی باقری، مستندساز، تدوین‌گر و عکاس، ساخت مستندهایی از جمله «فموسونگ ساسانی»، «پهله» و... را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. آثار وی در عرصه بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. محمدعلی فارسی، دانش‌آموخته فیلم‌نامه‌نویسی از دانشکده صداوسیما است. این تهیه‌کننده، کارگردان و تدوین‌گر از جمله همکاران شهید سیدمرتضی آوینی بود و فیلم‌های مستند مختلفی مانند مهاجران، گلستان آتش، شلمچه، ماه و خورشید، سراب ۲، تصویرگران جنگ، پایان انتظار، قصه‌های جنگ، غواصان، کبوتران امید، حقیقت گمشده، فانوس رو به باد، سناخیز، خلوت دل، معلم و... را ساخته و روانسته جوایز مختلفی را دریافت کند. رامین حیدری فاروقی، منتقد، پژوهشگر و مستندساز، دارای مدرک کارشناسی رشته کارگردانی در دانشکده سینما- تئاتر دانشگاه هنر تهران و کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر، «آوایی» مستند «رودی تا بهشت»، مجموعه داستانی «راهی» و مجموعه‌های مستند «پیر، باد، ماه»، «گره» و... از جمله آثار او به شمار می‌رود.

سوگواره

الهی بسوزد زمستان در آتش

درختان در آتش، خیابان در آتش خبر ترسناک است: میدان در آتش خبر تلخ و سنگین، خبر سرد و غمگین قدیمی‌ترین برج تهران در آتش عجب روزگاری است، انسان هراسان عجب روزگاری است، انسان در آتش عجب روزگاری، عجب شام تازی مسلمان در آوار و سلمان در آتش چه رسم بدی، کاسبان در تماشای دلبران و آتش‌نشانان در آتش کسی از شهیدان سرفانی بگیرد همانان که رفتند خندان در آتش سیاوش و پروانه، ققنوس و ساقی از این دست مستان فراوان در آتش چه شد عشق بازی، چه شد تک نوازی خرابات ویران، نیستان در آتش چه توفان بی‌رحم و سوزان و سختی الهی بسوزد زمستان در آتش گلستان به پا کن، گلستان در آتش مهدی جهاندار